

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباوچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

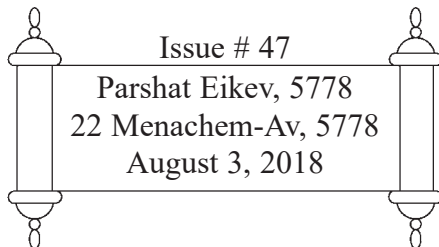
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, August 3, Light Shabbat Candles, by 7:34 p.m.
Saturday, August 4, Shabbat ends at 8:36 p.m.
(Times are for Los Angeles)

۱۰- تسلیت واقعی

و بالاخره ما می توانیم ارتباط مابین دو نوع الهام و وحی الهی که بوسیله پاراشای واثنخنن و عقو عنوان شده است را و نوع تسلیتی را که در هفتارا های آنها گفته شده را ببینیم .
آن الهامی که از خارج از وجود انسان می آید. آن بُعد نهایی درونی را دارا نمی باشد به همین علت است که هفتارای واثنخنن "تسلی بگیر، تسلی بگیر، قوم من" تسلیت غیر مستقیمی را توضیح میدهد که از طرف پیامبر خداوند عنوان میشود . اما هفتارای پاراشای عقو اشاره به کوشش انسان در گرایش به خداوند از درون می کند. کلمات آغازین آن بیانگر این حالت و عمق تاریکی آن است و "صیون می گوید خداوند مرا ترک کرده و مرا فراموش کرده است" . و این مطلب به ما این موضوع را میرساند که تسلیت پیامبر برای ما کافی نیست و در میدراش آمده است که خداوند درخواست بیسرائل ۱۱ ها را قبول می کند و می گوید "ای کسی که رنجیده و مضطرب شده ای و تسلی نیافته ای" . و عنوان می کند "من هستم ، من هستم که ترا تسلی خواهم داد..." . تسلیت و آرامشی واقعی و نهایی و سریع که با آمدن ماشیح صیدقینو . برای ما فراهم میشود. آمین

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 9, pp. 79-85)

(منبع لیکوتی سیخوت جلد نهم ص ۷۹ الی ۸۵)

۱۱- کلمات آغازین در هفتارای رنه و شوفطیم . رجوع شود به اوودرهام و زیر نویس ۱

To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

Reprinted with permission by:

CPY
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
http://www.cpycenter.org
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

&
Moshiach Awareness Center,
a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
http://www.torah4blind.org
e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

می کند. بصورت جمع سخن می گوید چرا که انسان را در تنوعش و در مجموعه توانایی هایش مورد خطاب قرار میدهد. آن عشق نسبت به خداوند که انسان خودش کسب کرده در وجود او جا گرفته و قوی شده است. "با تمامی قلبت و با تمامی جانت". این عشق دارای آنچنان قدرت و آتشی نیست که ورای محدودیت های جهان برود. جهانی که کلمات با "تمام هستی ات" آنرا مشخص می کند.

در نتیجه در اولین قسمت، مطالعه تورا (کلام خداوند) را قبل از فرمان تقیلین و مزوزا یعنی عمل انسان قرار داده است اما در دومین قسمت این ترتیب برعکس می شود از انسان شروع میشود و به خداوند ختم میگردد.

در اولین قسمت همچنین اشاره به پاداش و مجازات وجود ندارد چرا که در حالت مشاهده خداوند، دیگر انسان به هیچگونه عاملی برای انجام خواسته خداوند احتیاج ندارد. اما زمانی که او با وضعیت خاص انسانی اش و کوشش و تلاش خودش بسوی خداوند حرکت می کند در نهایت او احتیاج به انگیزه ای دارد (پاداش یا مجازات) پاداش و مجازاتی که کاملاً بوسیله منطق انسانی درک بشود.

۹- ایمان در پراکندگی (گالوت)

با وجود اعتقاد به کوچکی و ناچیزی انسان، هنوز در قسمت دوم شِمع است که اشاره به حفظ فرمانهای خداوند حتی در زمان پراکندگی می کند چرا که قسمت اول شِمع نشان دهنده این طرز تفکر است که پراکندگی، گالوت، خواسته انسان را در اطاعت از کلام خداوند از بین می برد و حتی ممکن است تمامی فرمان های الهی را بی تاثیر کند. اگر خواهش انسان در انجام کلام خداوند بستگی به مشاهده حضور او داشته باشد (قسمت اول شِمع) پس به محض آنکه این حضور در پشت ابرهای سیاه پراکندگی - گالوت، پنهان بشود این خواسته انسان نیز از بین میرود. ولی چنانچه این خواسته از درون انسان سرچشمه بگیرد (قسمت دوم شِمع) این خواهش در پراکندگی گالوت نیز با تمامی قدرتش باقی خواهد ماند.

همانگونه که این الهام از درون در چگونگی ارتباط خداوند با جهان چه در تاریکی و چه در نور باقی میماند. این الهام نه فقط آنان که نور را دیده اند (سالکان راه خدا) را تحت تاثیر قرار میدهد بلکه همه فرزندان را نیز شامل میشود.

عقو

در هفته گذشته و در این هفته ما در هفتارا، قسمتهایی را خواندیم که شامل تسلی و امید دادن به یسرائل ها بود. تسلی و امید بخاطر ویرانی بت همیقداش، در میدراش آمده است که مابین هفتارای اول و دوم تفاوت هایی وجود دارد. در اولی خداوند از یسعیا هناوی می خواهد که یسرائل ها را تسلی بدهد ولی در دومی یسرائل ها خواهان آن هستند که خود خداوند آنها را تسلی بدهد. در این مبحث در مورد تفاوت های مابین پاراشای واثنحنن و عقوو تفاوت های مابین دو قسمت شِمع یسرائل که قسمتی از آن در واثنحنن و قسمت دیگر در عقوو گفته شده است صحبت می شود. مطلب اساسی در این پاراشا تفاوت مابین دو گونه وحی و الهام است.

آن الهامی که از بیرون و خارج از وجود انسان، به انسان میرسد و آن که از درون وجود آدمی وحی میشود این موضوع برای زندگی ما در این دوره بسیار اهمیت دارد. در زمانی که وحی و الهام الهی دیگر از خارج وجود ندارد و در زمانی که چهره خداوند پنهان است، زندگی ما چگونه شکلی باید بخود بگیرد؟ و ما چگونه می بایست این وحی و الهام را از درون خود کشف کنیم؟

۱- تسلیت، پیامبران و خداوند

هفتارای این هفته که دومین هفته از هفت هفته تسلیت برای خرابی بت همیقداش می باشد با این کلمات یسعیا پیامبر شروع میشود "اما صیون می گوید خداوند مرا فراموش کرده است." در میدراش آمده است^۱ که این هفتارا ادامه مطلب هفتارای هفته قبل است که با عبارت "تسلی بگیر، تسلی بگیر، قوم من" شروع میشود. که با این کلمات خداوند به پیامبر خود میفرماید که یسرائل ها را تسلی بدهد. یسرائل ها در جواب به پیامبر می گویند که "خداوند مرا فراموش کرده است". به عبارت دیگر آنها خواهان کلمات پیامبر نیستند بلکه خواهان آن هستند که خداوند خود مستقیماً آنها را تسلی بدهد.

این دو هفتارا هر ساله با پاراشاهای واثنحنن و عقوو خوانده می شوند. اینگونه می توان نتیجه گرفت که اگر این هفتاراها دارای چنین مفاهیمی هستند پس بنابراین خود پاراشاها هم دارای مفاهیمی مشابه آنها هستند. واثنحنن می بایست دارای اشاراتی در مورد تسلیت دادن به یسرائل ها باشد و

۱-آوودرهام سفر هپاراشیوت و هفتارا

عقو می بایست دارای مطالبی شامل اینکه یسرائل خواهان دلجویی و تسلیت از طرف خداوند هستند، باشد.

۲- شَمَعِ یِسْرَائِل

از آنجا که این دو پاراشا در محتوای خود کاملاً متفاوت هستند پس بنابراین این مفاهیمی که در بالا ذکر کردیم در آنها بسادگی قابل درک نیستند. اما یک رابطه مشخص مابین آنها وجود دارد و آن اینکه اولین قسمت "شَمَعِ یِسْرَائِل" در پاراشای واٲٲحنن و دومین قسمت آن در پاراشای عقو است. و این دو قسمت شَمَعِ یِسْرَائِل بسیار باهم مربوط بوده و دارای بسیاری مطالب مشابه و متفاوت هستند. در اینجا است که ما اشاراتی به تفاوت های مابین این دو هفتارا و این دو نوع تسلی پیدا می کنیم.

۳- موارد متفاوت

اینها قسمت هایی از موارد متفاوتی هستند که مابین اولین قسمت "شَمَعِ یِسْرَائِل" و دومین قسمت آن وجود دارد.

الف: در اولین قسمت به ما بصورت فردی دستور داده شده است که "دوست بدار خدای خالقت را با تمامی قلبت و با تمامی جانت و با تمامی هستی ات" اما در قسمت دوم این دستور بصورت جمعی آمده است و فقط شامل کلمات "بانمایی قلبت و با تمامی روحت" می باشد و عبارت "با تمامی هستی ات" دیگر وجود ندارد.

ب: در اولین قسمت به ما گفته شده است که "تو می بایست آنها را به فرزندان یاد بدهی و در مورد آنها صحبت کنی ... و ادامه میدهد که "آنها را به عنوان علامت بر روی دستانت ببندی ... اما در قسمت دوم، این ترتیب جا بجا شده است. ابتدا می گوید آنها را "میبایست روی دستانت ببندی ... و سپس بعد از آن می گوید آنها را میبایست" به فرزندان تعلیم بدهی"

دستور بستن تفیلین در اولین قسمت بعد از دستور مطالعه تورا می آید ولی در دومین قسمت قبل از آن.

ج: اولین قسمت فقط شامل دستور انجام فرامین خداوند است ولی دومین قسمت شامل دستور هم انجام فرامین و گرفتن پاداش "روزهایت طولانی خواهد شد...." و هم گرفتن جریمه "خشم خداوند بر علیه تو برافروخته خواهد شد..." می باشد.

میشدند". و ترس و وحشت بر آنها غلبه میکرد^۸ اما از طریق مشاهده ایمان بنی یسرائل تغییرات بزرگتر و درونی تری صورت میگرفت. "از میان ملت ها تو متبارک تر باشی"^۹ به این معنا که حتی دشمنان ما را برکت و تمجید می کردند.

۷- کامل و ناقص

مابین دیدن و شنیدن تفاوت دیگری نیز وجود دارد. دیدن فقط یکی از قوای انسان را در بر می گیرد ولی، شنیدن، تمام وجود انسان را در بر می گیرد. عقل انسان، که کوشش می کند کلام خداوند را درک کند، خواسته انسان که انتخاب میکند کلام خداوند را اطاعت کند و تمامی توانایی های عملی انسان، با شنیدن تحت تاثیر واقع میشود. هلاخا نیز این موضوع را تاکید می کند. اگر شخص باعث شود که شخص دیگری بینایی اش را از دست بدهد او می بایست برای این صدمه ای که به چشم او وارد کرده جریمه بدهد. اما چنانچه شخص باعث بشود که شخص دیگری شنوایی اش را از دست بدهد او می بایست برای این صدمه ای که به گوش او وارد کرده به اندازه ارزش زندگی آن شخص جریمه بدهد درست مثل اینکه او تمامی توانایی ها و قوای آن شخص را از بین برده است.^{۱۰}

۸- دو نوع الهام الهی و شَمَع

حالا ما می توانیم تمامی تفاوت های مابین دو قسمت شَمَعِ یِسْرَائِل را دنبال کنیم. اولین قسمت که در پاراشای واٲٲحنن می باشد به الهام از بیرون، از طرف خداوند مربوط می شود و سمبل آن حس بینایی و دیدن است. دومین قسمت که در پاراشای عقو می باشد به الهام از درون مربوط می شود و سمبل آن حس شنوایی و شنیدن است. به این ترتیب قسمت اول شَمَع، فرد را مخاطب قرار میدهد چرا که سخن از الهام از بیرون، از طرف خداوند، می کند که باعث بیداری انسان بصورت فردی میشود. این مشاهده بینهایت، انسان را تا به آنجا بیقرار کرده که تمامی محدودیت های زمینی اش را رها می کند به همین علت است که در اولین قسمت شَمَع کلمات "با تمام هستی ات" وجود دارد. اما در دومین قسمت که اشاره به انسان با تمامی وضعیت انسانی اش

۸- شמות ۱۵-۱۶ ۹- دواریم ۱۴-۷

۱۰- بابا کما ۸۵ ب- شولخان آרוخ خوشن میشباط ۴۲۰ و ۱۷ و ۲۵

از طریق اعمال خودش به پائین می آورد. بنابراین پاراشا با موضوعاتی شروع می شود که انسان می تواند کسب کند و با این کلمات شروع میشود که "چنین مقرر است که در ازای اینکه این احکام مرا بشنوید. حتی نام "عقو" در زبان عبری اشاره ایست به "پاشنه پا" که پائین ترین و محکم ترین عضو بدن انسان است. و سمبلی از طبیعت مادی انسان است که با گوش کردن به کلمات خداوند می توان آنرا بسوی خداوند کشانید.

این تفاوت همچنین در نوع افعالی که در شروع دو پاراشا بکار برده شده است مشاهده میشود. در واٲٲخٲنٲ مُشه از خداوند درخواست می کند که "او آن سرزمین خوب را ببیند" اما در پاراشای عقو خداوند می گوید "در ازای اینکه این احکام را بشنوید" دیدن اشاره به امور ماوراء طبیعی می کند که خداوند در موقع لطف و محبتش اجازه مشاهده آنها را میدهد ولی شنیدن اشاره به فاصله بیشتر و احساس کمتر روحانیت می کند. احساسی که انسان با کوشش و تلاش خودش آنرا کسب می کند.

٦- دیدن و شنیدن

دیدن یک واقعه همیشه واضح تر و مؤثر تر از شنیدن در مورد آن است.^٧ با این حال این تأثیر و این وضوح بیشتر به آنچه که انسان می بیند بستگی دارد تا شخصی که آن را می بیند. یعنی چیزی ممکن است کاملاً واضح و مشخص شده باشد ولی هنوز کسی که آنرا می بیند ممکن است تحت تأثیر آن واقع نشود. اما زمانی که شخص سعی می کند چیزی را بشنود و قبلاً نیز خودش را و احساسش را در مورد آن آماده کرده است، آن مطلبی که شنیده میشود به این طریق وارد وجود و روح آن شخص شده و شخص تحت تأثیر آن واقع میشود.

این مطلب در مورد دو پاراشای واٲٲخٲنٲ و عقو صادق است. اگر چه آن دیدن و مشاهده ای که مُشه از خداوند درخواست میکرد از نظر روحانی از شنیدنی که بیسرائل ها بوسیله کوشش و تلاش خودشان می توانستند کسب کنند بزرگتر و عظیم تر بود اما تأثیر آن کمتر بود چرا که از خارج وارد وجود انسان میشد و او را از درون دگرگون نمی کرد.

و همچنین تأثیر آن بر جهان نیز می توانست متفاوت باشد. ملت هایی که دشمن بیسرائل ها بودند بوسیله خداوند از طریق مُشه دشمنی شان کاملاً برطرف میشد. "ساکنان کنعان گداخته و آب

٤- تفاوت های اساسی

تفاوت های اساسی مابین این دو قسمت همانطور که راشی^٢ می فرماید این است که قسمت اول (که کاملاً بصورت مفرد نوشته شده است) افراد بیسرائل را مخاطب قرار داده است در حالیکه قسمت دوم (که بصورت جمع نوشته شده است) بیسرائل ها را به عنوان یک ملت مخاطب قرار میدهد.

این اصل کاملاً در مورد فرمان دوست داشتن خداوند بکار رفته است. علاوه بر این، علت تکرار مجدد دستورات مشخص بستن تفیلین و قرار دادن مزوزا آن است که خداوند مطلب تازه ای را می خواهد به ما بگوید. راشی معتقد است^٣ که هدف از تکرار این دستورات آن است که حتی بعد از اینکه شما به گالوت (در بدری) رفتید باید خودتان را بوسیله احکام من مشخص بکنید و تفیلین ببندید و مزوزا بگذارید تا زمانی که به سرزمین بیسرائل برمیگردید این احکام برای شما ناآشنا و غریب نباشد.

بلاخره مابین دوبار گفته شدن مطلب "آنها را میبایست به فرزندان یاد بدهی" تفاوت وجود دارد. گفته شدن این مطلب در قسمت اول اشاره به وظیفه معلم نسبت به شاگردش می کند و تکرار آن در دومین قسمت اشاره به وظیفه پدر نسبت به فرزندش میباشد.^٥

٥- خود و خداوند

و اما تمامی این تفاوت ها از یک تفاوت اساسی نتیجه می شود. واٲٲخٲنٲ به الهام و نجاتی مربوط می شود که بخاطر محبت و لطف خداوند انجام میشود و از بالا صورت می گیرد. به همین دلیل با خواهش و درخواست مُشه از خداوند برای ورود به سرزمین بیسرائل شروع میشود. از آنجا که مُشه فرستاده خداوند بود و از طریق او تمامی معجزات خروج از مصر و معجزات بیابان اتفاق افتاده بود چنانچه به او اجازه داده میشد که بیسرائل را به آنطرف اردن ببرد (و او وارد سرزمین بیسرائل بشود) تصرف آن سرزمین نیز بجای آنکه بصورت آرام آرام و جنگ و ستیز طبیعی انجام شود از طریق معجزه و وقایع ماوراء طبیعی صورت می گرفت.

اما پاراشای عقو به وضعیت انسان ها اشاره می کند و به آن الهام و نجاتی مربوط میشود که انسان

٢- دواریم ٣-١١ و سیفری ٣- همان منبع ١٨ ٤- راشی همان منبع ٦-٧

٥- سیفری - راشی رجوع شود به قیدوشین ٢٩ ب

٦- دواریم ٢٥-٣

٧- رجوع شود به روش هشانا ٢٤ ب - توضیح بیشتر در صفحه ٩٩-٩٨